



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۹/۲۴

طلا پامير

چیستی حکومت در تبعید (حکومت در مهاجرت) و چند سخنی دیگر در پیرامون آن.

در این اواخر برخی گروه ها و حلقات سیاسی افغانستان در بیرون از کشور سر و صداهای تشکیل حکومت در تبعید را به راه انداخته اند. از بیانات فعالان این گروه ها معلوم است که آنها از حکومت در تبعید درک نادرست دارند. شنیده اند که: "علی آباد شهر است".

فکر می کنند که مردم افغانستان فقط منتظر تشکیل و اعلان همچو حکومت اند، این و یا آن کشور حاضر است که از این حکومت میزبانی کند، جامعه بین المللی در وجود سازمان ملل متحد می خواهد که حکومت گروه های در تبعید را به رسمیت بشناسد و تمویل کند و به انتقال آن در افغانستان به شیوه "بن" کمک کند.

کوتاه سخن: این ها حکومت در تبعید را با تشکیلات گروه ها و حلقات در تبعید (پناهجویان عادی) به اشتباه گرفته اند.

حکومت در مهاجرت (government in exile) که در ادبیات سیاسی به نام حکومت در تبعید و حکومت رانده شده نیز آمده، به حکومت گفته می شود که زمانی بر حال و قانونی بوده اما به اثر تجاوز یا اشغال خارجی و یا به اثر انقلاب، کودتا و شورش داخلی خلع قدرت شده، از کشور خود فرار کرده و در بیرون از کشور متبوع خود ادعا دارد که کما کان حکومت قانونی و مشروع آن کشور است؛ از مردم نمایندگی می کند و قصد دارد که به قدرت بر می گردد. به گونه مثال حکومت های در تبعید که در جریان جنگ دوم جهانی در اروپای غربی و شرقی به اثر تجاوز خارجی و اشغال کشور های شان از سوی آلمان نازی مجبور به فرار شده بوده اند، ائتلاف حکومتی کمپوچیایی دموکراتیک سالهای ۱۹۸۰ به رهبری شهزاده نوروڈم سهانوک و به مشارکت خمر های سرخ که حکومت آن در ۱۹۷۹ به کمک قوای نظامی ویتنام سرنگون شده بود، حکومت کویت در تبعید (۱۹۹۰-۱۹۹۱) که به اثر تجاوز و اشغال نیروهای صدام حسین مجبور به فرار شده بود، حکومت هاییتی در تبعید (۱۹۹۱-۱۹۹۴)، حکومت در تبعید سریلیون (۱۹۹۷-۱۹۹۸) که توسط کودتای نظامی در سال ۱۹۹۷ سرنگون و مجبور به فرار شده بود، حکومت در تبعید میانمار به رهبری رئیس جمهور مخلوع وین میننت پس از کودتای ۲۰۲۱.

این حکومت ها از سوی برخی کشورها به صورت انفرادی و یا به صورت جمعی به مثابه حکومت های قانونی کشور های شان به رسمیت شناخته شده بودند. موارد دیگر از حکومت های در تبعید نیز وجود دارند که به مثابه نمایند مردم کشور های شان به رسمیت شناخته نشدند.

حکومت در تبعید، به حکومت افراد و گروه های فراری (مهاجران) در کشور های خارجی اطلاق نمی شود زیرا چنین حکومت ها اگر تشکیل هم شوند ادعای قانونیت و مشروعیت و نمایندگی از مردم

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

و کشور متبوع شان را کرده نمی توانند. همچو حکومت ها به فرض تشکیل، حکومت های "خود خوانده" شمرده می شوند؛ هیچ دولت خارجی حاضر نمی شود که از حکومت های خود خوانده میزبانی کند و یا به رسمیت بشناسد مگر اینکه بر خلاف حقوق بین المللی توسط این و یا آن کشور به مثابه مزدور و ابزار مداخله در امور داخلی کشور ها و تجاوز نظامی ایجاد و مورد استفاده قرار گیرند.

با فراریان در چهارچوب کنوانسیون پناهجویان ۱۹۵۱ برخورد می شود. مطابق ماده ۱۵ این کنوانسیون، پناهجویان حق تشکیل جمعیت های غیر سیاسی و اتحادیه های صنفی را دارند اما نه حق تشکیل احزاب سیاسی و تشکیل حکومت در تبعید برای کشور که از آن فرار کرده اند. در اینجا گفتنی است که آنچه پناهجویان که مطابق قوانین کشور های پذیرنده، تابعیت این کشور ها را کسب کرده و اتباع رسمی این کشور ها شمرده می شوند، به هیچ صورت حق تشکیل حکومت در تبعید برای کشور که یک زمان از آن فرار کرده اند ندارند زیرا، چنین کار از نظر حقوق بین المللی مداخله مستقیم و غیر قانونی کشور پذیرنده در امور کشور های دیگر شمرده می شود. با وصف این، موارد وجود دارند که گروه های فراری و یا متواری تشکیلات درونی شان را حکومت در تبعید نامیده اند اما هیچ کشور چنین حکومت های خود خوانده را به مثابه نماینده قانونی مردم و کشور های شان به رسمیت نشناخته و به موفقیت دست نیافته اند مانند دولت موقت سوریه، حکومت در تبعید شورای مقاومت ملی ایران به رهبری مریم رجوی (رئیس جمهور انتقالی)، شورای ملی ایران برای انتخابات آزاد به رهبری شهزاده پهلوی (۲۰۱۲) (حکومت ویتنام آزاد ۱۹۹۵ که در ۲۰۱۳ منحل شد، حکومت در تبعید برای ترکستان شرقی (۲۰۰۴) و موارد دیگر.

در مورد افغانستان به صورت مشخص می توان گفت که آقای اشرف غنی می توانست ادعای حکومت قانونی در تبعید کند زیرا او رئیس حکومت برحال و از شناسایی وسیع بین المللی برخوردار بود که به صورت غیر قانونی (خلاف قانون اساسی نافذ) از طریق نظامی سرنگون شد. آقای غنی اما، در جریان سه سال در این راستا هیچ تلاش نکرد. تلاش معاون اول او برای تشکیل حکومت در تبعید به موفقیت نیانجامید و سر انجام از طریق شبکه های اجتماعی استعفا داد. اعضای حکومت و اعضای شورای ملی وقت، گروه های درون دولت و بخش قابل ملاحظه مردم افغانستان از آقای غنی روی گشتانند. نتایج جنجالی انتخابات ۲۰۱۹ (کسب کمتر از یک میلیون رای) ، عقد موافقتنامه امریکا و طالبان در غیاب حکومت آقای غنی و بعد فروپاشی سریع حکومت و نیروهای دولتی، ضربه هلاکتبار بر مشروعیت داکتر غنی به مثابه رئیس جمهور بود. از این رو، کشورهای خارجی به شمول متحدانش و سازمان ملل متحد از وی به مثابه رئیس جمهور افغانستان در تبعید استقبال نمی کردند و با حکومت بالفعل افغانستان (امارت اسلامی) به این و یا آن شکل وارد تعامل شدند.

حال که " کارازکار گذشته " تلاش برای تشکیل حکومت در تبعید چه توسط اطرافیان آقای غنی و چه گروه های دیگر، بیهوده است. اگر چنین حکومت با فرض اینکه توسط اطرافیان آقای غنی و یا گروه های فراری شامل حکومت آقای غنی تشکیل هم شود، چنانچه در بستر متن گفته شد، حکومت خود خوانده و فاقد اعتبار و مشروعیت داخلی و شناسایی بین المللی خواهد بود. حکومت خود خوانده نه مشروعیت دارد و نه هم واقعیت زمینی - حکومت بالفعل خواهد بود؛ نه توان و امکان حکومت کردن را در داخل کشور خواهد داشت و نه هم از افغانستان در بیرون از کشور نمایندگی کرده می تواند.

مشروعیت داخلی (اصل نمایندگی از مردم) در کنار اصل مستقل بودن (بدون مداخله خارجی) از شرایط اساسی برای به رسمیت شناختن حکومت در تبعید از نظر حقوق بین المللی است . به قدرت رسیدن حکومت بالفعل " امارت اسلامی " افغانستان از راه غیر قانونی اساسی (از طریق نظامی) و نقض حقوق بشر از سوی این حکومت به تنهایی دلیل برای به رسمیت شناختن حکومت در تبعید که توسط گروه های اپوزیسیونی تشکیل گردد، نمی شود.

انتقال همچو حکومت به داخل کشور واستقرار آن نیز از توان اپوزسیون فراری خارج است مگر اینکه همراه با لشکر کشی کدام کشور قدرتمند خارجی صورت گیرد که آنها در شرایط کنونی و در آینده نزدیک دور از انتظار است .

در این جا لازم به ذکر است که در کنار اصطلاح حکومت در تبعید، مفهوم حکومت موازی در محل نیز وجود دارد. این یک وضعیت است که گروه‌های متخاصم در داخل کشور بخش‌های از خاک کشور را زیر کنترل دارند و هرکدام ادعای حکومت می‌کنند . به گونه مثال حکومت برهان الدین ربانی از یکطرف و حکومت شورای هماهنگی به رهبری صبغت الله مجددی با ترکیب جبهه نجات ملی (صبغت الله مجددی) ، جنبش ملی- اسلامی (جنرال رشید دوستم، حزب اسلامی (حکمتیار) حزب وحدت (عبدالعلی مزاری) و گروه صادق مدبر (شاخه از حزب حرکت- محسنی) در سال ۱۹۹۵ از طرف دیگر و پس از آن حکومت برهان الدین ربانی یکطرف و حکومت تحریک طالبان به نام امارت اسلامی (۱۹۹۶-۲۰۰۱) از طرف دیگر حکومت برهان الدین ربانی در سال ۱۹۹۶ از سوی تحریک طالبان افغانستان مجبور به فرار از کابل شد و در دو سه ولایت به مبارزه خود ادامه داد تا که در نتیجه لشکر کشی امریکا و متحدین بر افغانستان در سال ۲۰۰۱ در یک ترکیب نسبتاً متفاوت به قدرت مرکزی برگشت.

حکومت تحریک طالبان – دور اول " امارت اسلامی" در دسامبر ۲۰۰۱ توسط نیروهای خارجی به رهبری امریکا در کابل و شهرهای افغانستان سرنگون شد اما شکست خود را نپذیرفت ؛ به قریه ها عقب نشینی کرد و از آنجا با حفظ نام وتشکیل " امارت اسلامی " بمثابه ی نیروی مقاومت در برابر تجاوز نیروهای خارجی و اداره دست نشانده به مبارزه مسلحانه ادامه داد تا این که در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ به قدرت برگشت.